

نقش سعدآباد در معرفی معماری دوران پهلوی

مهدیس مدیری

بررسی و شناخت معماری دوره ی پهلوی به ویژه پهلوی اول به جهت تلاش وسیع در تغییر نمادی مختلف و نمایش تغییرات فکری و فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است.

دوره ی پهلوی اول به جهت نگرش نوینی که در جهت توسعه، نوسازی و تغییرات بنیادی داشت با صراحت و اقتدار از معماری و ایجاد یک سبک و سیاق منحصر به فرد استفاده کرد. معماری این دوره که بازگوی روشنی از اندیشه های آن دو دهه است، توانست در یک دوره ی بیست ساله دگرگونی مهمی ایجاد نماید و با برجستگی های خاص خود آغاز گر دوره جدیدی در عرصه ی معماری ایران شود. تا آغاز سلطنت رضاشاه پهلوی زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم ایران متکی بر یک زندگی اجتماعی سنتی بود و معماری نیز که یکی از پدیده های زندگی اجتماعی و فرهنگی است، بر یک معماری سنتی تکیه داشت.

«با انقلاب مشروطیت و پس از آن با کودتای رضاخان که همزمان با انقلاب تکنولوژی در اروپای قرن بیستم بود، حرکت اجتماعی-فرهنگی ایران ناگزیر از پذیرفتن یک آهنگ انقلابی شد و معماری نیز که تعادل خود را با حرکت های اجتماعی-فرهنگی حفظ کرده بود، ناچار از قبول یک حرکت انقلابی غیر مترقبه بود. از طرف دیگر چون اجتماع ایران با قبول یک حرکت انقلابی و به دنبال آن قبول بسیاری از رفتارها و هنجارهای اجتماعی-فرهنگی اروپا، ناگزیر از گرفتن بسیاری از الگوها و قالب های اجتماعی-فرهنگی اروپا بود. معماری نیز عنداللزوم نمی توانست در حرکت انقلابی خود بی نیاز از الگوها و قالب های معماری پیشرفته و متکی به تکنولوژی قرن بیستم باشد.» رجبی، پرویز/ ۱۳۵۵ (۲۵۳۵ شاهنشاهی) / صفحه ۵۹

همانگ با پیشرفت های اجتماعی و فرهنگی در اروپا، معماری اروپا نیز از مدتها پیش با سرعت بی سابقه ای در راه تکامل بود و به فونوی دست یافته بود که معماری ایران در آغاز انقلاب خود چیزی از آن نمی دانست. بنابراین معماری نوین ایران ضمن پشت نکردن به همه ی سنتهای دیرین ناگزیر است فنون معماری اروپا را بپذیرد. از این روست که در معماری دوره ی رضاشاه عناصر بیشتر از معماری باستانی و سنتی گرفته شده اند و فنون از معماری تکامل یافته ی غرب. به این ترتیب ضمن تلاش در جهت حفظ و احیای هویت ملی، از منطق معماری مدرن اروپا نیز کمک گرفته شد.

تا قبل از حکومت رضاشاه جز آب انبار و مسجد و کاروانسرا و حمام های عمومی و غیره هیچ بنای اداری سرویس دهنده ای به وجود نیامده بود اما در این دوره سازمانهای دولتی که پس از مشروطیت برای نخستین بار به وجود آمده بودند، یکی پس از دیگری در بناهای نوین خود جای می گیرند و به سرعت چشم انداز عمومی ایران را دگرگون می سازند.

از مهم ترین و قدیمی ترین مشخصه های معماری گذشته ی ایران که آن را از دیگر مکتب ها به ویژه سبکهای معماری غربی متمایز می سازد پدیده ی درون گرایی است. این ویژگی به دلیل وضعیت جغرافیایی خاص بسیاری از مناطق کویری ایران، توجه به امنیت و نیز محرمیت وجود داشته است. البته در معماری آثاری نظیر مساجد و کوشکها و باغها، توجه به معماری برون گرا هم وجود داشته است.

تحولات عقیدتی و سیاسی و اجتماعی شاخص ترین ویژگی معماری ایران یعنی درون گرایی را تغییر داد و چرخش ناگهانی معماری از درون به بیرون به طور بنیادین معماری و شهرسازی ایران را تحت تاثیر قرار داد آنچنان که به جرات می توان گفت شاخص ترین پدیده معماری در دوره ی پهلوی اول، پدیده ی برون گرایی می باشد که زاینده ی تفکر مدرن و پیوند خورده با فرآیند تجدید گرایانه است. «در این دوره چنانچه ظاهر بناها، بعضاً توانست عناصر گذشته معماری را به خود بگیرد ولی داخل بنا نتوانست روابط فضایی پیشین را در خود جای دهد. در این میان پله ها و راهروها از اهمیتی بالا در تنظیم روابط و عملکرد فضاهای داخلی برخوردار شدند و عناصر دیگر نظیر آب، آب نما، باغچه و گیاه به بیرون ساختمان کشانده شدند. ساختمان، بسته به عملکرد و مقیاس آنها به دو یا چند حال تقسیم شدند که راهروهای طویل و یکنواخت یا اتاقهای فراوان در طرفین از ویژگیهای اصلی آن شدند. ویژگی فوق را در پلانهای معماری دوره ی پهلوی اول می توان از فضای کارخانه ها تا کاخها دید. پدیده برون گرایی در معماری معاصر باعث گردید کارکرد بناهای سنتی را که با قرارگیری یک حیاط مرکزی در وسط به شکل شعاعی عمل می کرد به پلانی تبدیل نماید که فعالیت هایش توسط راهروها و به شکل خطی صورت بگیرد. راهروها طولانی ترین فضاهایی بودند که در یک مکان بسته تاکنون - در معماری ایران- به وجود آمده بودند و تنها وظیفه آنها نقش عملکردی- ارتباطی با نه چندان جذابیت فضایی- معماری بود. از طرف دیگر پلکان داخلی بناها که قبل از دوره ی معاصر از ارزش فضایی و مکانی کمتری نسبت به دیگر فضاهای داخلی برخوردار بود و این ویژگی در تمامی بناها از خانه ها تا مساجد و کاخها نظیر کاخ عالی قاپو وجود داشت به فضایی بزرگ، چشمگیر و تشریفاتی بدل گردید و از نظر ترکیب بندی فضاها، مکانی مهم، با ارزش و قابل دسترسی سریع را به خود اختصاص داد. بهترین نمونه های استفاده از پلکان وسیع داخلی در بناهای این دوره را می توان در مجموعه ی بناهای شهرداری ها، شهربانی و به طور کلی در بناهای اداری بزرگ، پر رفت و آمد و حجیم همچون ساختمان دارایی ساری مشاهده کرد، ضمن اینکه جنبه تشریفاتی و شاهانه ی آنها در کاخهای مختلف از جمله، کاخ سفید سعدآباد تهران و کاخ میان پشته بندر انزلی ساخته شد. شکل غالب پلکان های داخلی بناها یا به گونه ای هستند که در ابتدا با پلکان عریض شروع و سپس در ادامه و در محل پاگرد به دو پلکان در طرفین تقسیم می گردند.



کاخ ملکه مادر- عکس از آرشیو واحد عکاسی سعدآباد

و یا از ابتدا با دو پلکان از طرفین که معمولاً به شکل حلزونی و بدون پاگرد هستند ساخته شده اند که تمامی این شکل از پله ها از معماری اروپایی به ایران وارد گشت.



کاخ اشرف

اما بهره گیری از پله ها، تنها محدود به داخل بناها نبود و پردازش شکوه آمیز و عظمت آفرینی به بناها، به کارگیری پلکان را در قبل از ورود به ساختمان ضرورت بخشید»
کیانی، مصطفی/۱۳۸۳/ص ۲۳۶ و ۲۳۷



کاخ سفید_عکس از آرشیو واحد عکاسی سعدآباد

«ساختمانهای حکومتی دهه ی اول پهلوی غالباً نمایی آجری دارد و هنوز نشانه های معماری سنتی را می توان در آنها یافت اما دهه ی دوم رویکرد به بناهایی است که از نمای سنگی و یا سیمانی شکل گرفته اند و ظاهراً تاثیر گرفته از معماری غرب را می توان در آنها مشاهده کرد.» همان.ص ۲۳۹

بناهای حکومتی بسیاری در دوره پهلوی اول ساخته شدند که به بهترین شکل اندیشه های حکومت را منعکس می سازند. اندیشه هایی چون تمرکز گرایی، سنت شکنی تجدد طلبی، مدرنیسم و نظامی گری. بالاتر قرار گرفتن عمودی ساختمان از سطح زمین در بسیاری از بناهای دوره ی پهلوی اول مشاهده می گردد و باعث می شود تا ساختمان به طور شاخص از محیط اطرافش جدا شده و با ایجاد ارتفاعی دلپذیر بر سیما و نمای آن تاکید گردد. ورودیهای بلند و ستون های مرتفع و کشیده در بناها در پی اقتدار و عظمت هستند. «نمای بناهای دوره رضاشاهی بیشترین استفاده را از نشانه ها و عناصر خطی-عمودی برده است. ستون ها و پنجره ها بیشترین نقش را در این کاربرد داشته اند تا بتوانند بر ایجاد حس ابهت و شکوه بنا در بیننده بیفزایند. برخلاف این حرکت عمودی، خود بناها هستند که در جهت افقی کشیدگی دارند و به گونه ای سنگین و حجیم بر زمین نشسته اند.



وزارت دربار_عکس از سایت مجموعه سعدآباد

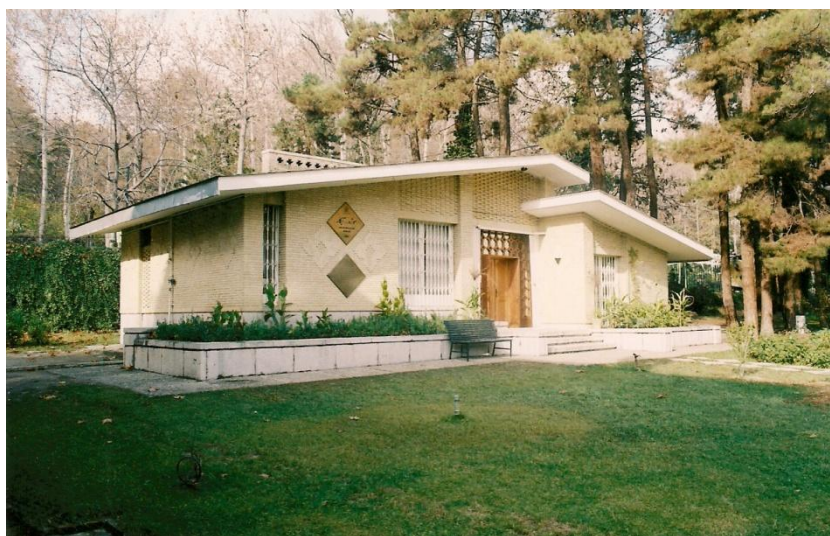
تلفیقی از این عناصر خطی افقی و عمودی در نمای ساختمانها تصویری از تکرار غیر یکنواخت را دارد. حضور ساختمان به دلیل طولی بودن برای ناظری که از جلوی این بنا حرکت می کند به زودی تمام نمی پذیرد، این پدیده همراه با استفاده از نشانه های تاریخی معماری، دوام، بقا، و استمرار را پایدار را القا می کند». همان ص ۲۴۱

در ایران دوره پهلوی اول پیروزی تاثیرات مدرن گرایی بر سنت و ناسیونالیسم رضاشاهی در گذر از دهه ی بیست به انجام رسید. به این ترتیب که آرمان گرایی دوره رضاشاه و حرکت در سه محور باستان گرایی، دین زدایی و غرب گرایی به گونه ای بود که هرچه از سالهای اولیه دوره بیست ساله گذشت باستان گرایی که بیشتر پایه های احساسی داشت رو به خاموشی گذارده و با تشدید سیاست تضعیف دین، هنگامی که سال ۱۳۲۰ فرارسید محوری که توانست برتری خود را در عرصه های مختلف نشان دهد غرب گرایی بود. در خصوص نفوذ معماری غرب در ایران دو دوره ی کاملاً مشخص را می توان نام برد. دوره اول مربوط به زمان قاجار تا اوایل دوره پهلوی است که دوره نفوذ

معماری غرب بوده و دوره دوم که مربوط به دوران پهلوی به طور کامل می باشد، دوره هجوم معماری غرب و دگرگونی معماری در ایران است. در عصر پهلوی دوم در عرصه ی معماری شاهد میل به تحولی دیگر هستیم. به این ترتیب که در این زمان معماری ایران از گروههای فارغ التحصیل از دانشگاه های داخل و خارج از کشور در رشته های معماری و مهندسی ساختمان بهره مند گردید و با آگاهی و شناخت بیشتر شرایط اقلیمی و عناصر زاده ی این شرایط و فنون متناسب با این عناصر و شرایط و با توجه به معماری اصیل ایرانی-اسلامی، عصر شکوفایی دوباره ی معماری ملی ایران فرارسید و عناصر معماری ایرانی-اسلامی در معماری دولتی نقش بیشتری را به عهده گرفتند.

سبک معماری ایرانی اسلامی چهارده قرن با مردم ایران زندگی کرده و مانوس شده بود. «پرداختن به هنر معماری هخامنشی و ساسانی مستلزم تقبل هزینه های سنگین و همچنین صرف وقت زیاد بود. علاوه بر این عناصر هنری معماری باستانی به خاطر محدود بودن آثار باستانی، یارای برابری با عناصر هنری بیشمار آثار هنر ایرانی-اسلامی را نداشت و هنر ایرانی اسلامی به خاطر فراوانی عناصر هنری سهل الوصولش از ویژگی هایی برخوردار است که پیاده کردن آن در طرح های کوچک بسیار آسان و عملی است.» رجیبی، پرویز/۱۳۵۵ (۲۵۳۵ شاهنشاهی)/ صفحه ۸۴

در این دور ضمن توجه به اصول و فنون معماری غرب، تقریباً همه ی عناصر ایرانی و ضوابط اصیل معماری بومی با ساخت و پرداختی مترقی و برداشتی نو و متناسب با شیوه های جدید زندگی در نظر گرفته شد. یکی از شاخصه های اصلی معماری ایرانی استفاده از آجرکاری در نمای بیرونی بناها می باشد و هنرمندان معمار ایرانی همیشه با استفاده از آجر و کاشی خالق نقشهای بسیار زیبا و هنرمندانه ای شده اند. در دوره پهلوی دوم آجرکاری نقش اصلی خود را در نمای بیرونی ساختمان ها یافت و با استفاده از آجر و کاشی برای نماسازی بناها، آثار کوچک و بزرگ بسیار زیبایی به وجود آمد. به این ترتیب متناسب با آب و هوای ایران دوباره مثل همیشه آجرکاری در نمای پوشش بیرونی بناها نقش اصلی خود را بازیافت.



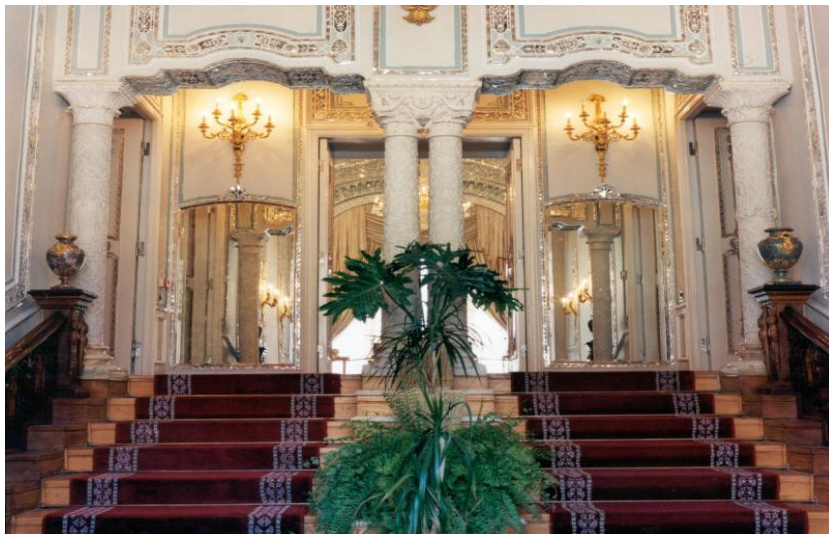
کاخ لیلیا پهلوی

در دوره پهلوی دوم به جز آثار متکی بر هنر اصیل ایرانی، آثار بیشمار دیگری نیز به خاطر هجوم تکنیک معماری غرب به ایران، به سبک معماری غربی ساخته شد. بیشتر این بناها خالی از عناصر هنری معماری و هر نوع سبک ملی هستند و تکنیک مدرن معماری-مانند اکثر بناهای شهرهای بزرگ جهان-حاکم بر سیمای عمومی آنهاست.

اما کاخ های سلطنتی نیز به عنوان بناهای مهمی که در این دوران ساخته شدند، نشان دهنده ی تنوع سبکی و دگرگونی آنهاست. اگر شروع کاخ سازی در دوران پهلوی را با عمارت هایی همچون کاخ شهوند (کاخ سبز) سعدآباد و کاخ مرمر بدانیم، این روند در نهایت خود به کاخ نیاوران می رسد. رضاشاه در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی رسید و در کاخ گلستان تاجگذاری کرد. مراسم گرچه در کاخ پادشاهان قاجار برگزار شد، اما رضاشاه با سفارش تاجی متفاوت و بر سر گذاشتن آن از همان ابتدا بر تمایز سلسله ی جدید، با خاندان قاجار تاکید کرد. او بلافاصله همپای ساخت عمارت های عمومی در تهران، کار ساخت کاخ هایی جدید را در تهران آغاز کرد.

کاخ شهوند سعدآباد اندکی پس از به قدرت رسیدن رضاخان ساخته شد. معماری این کاخ را می توان در امتداد معماری سنتی ایران، با حضور و تلفیق تعداد محدودی از عناصر معماری اروپایی به حساب آورد.

تلفیق هایی که در دوره ی قاجار نیز باب شده بود. مانند راه پله ها، سرستون ها و یا جزئیات دیگر.



کاخ سبز _ عکس از سایت مجموعه سعدآباد

نمای کاخ از سنگ سبز است روی آن کارهای نفیس کنده کاری به چشم می خورد. تزئینات داخل کاخ نیز با استفاده از هنرهای تزئینی سنتی مانند خاتم کاری، آئینه کاری و تذهیب صورت گرفته است. کاخ شهوند تفاوت چشمگیری با کاخ سفید سعدآباد دارد و دگرگونی سبک معماری در فاصله ی زمانی اندکی پس از اتمام آن، با بزرگ ترین کاخ مجموعه ی سعدآباد کاملاً مشهود می باشد. دو کاخ مهم دوره پهلوی یعنی کاخ سفید سعدآباد و کاخ نیاوران روحیات و گرایش های دیگری را در معماری ایرانی دوران پهلوی آشکار می کنند که با کاخ های مرمر و شهوند متفاوت است.

کاخ سفید سعدآباد که بزرگترین کاخ این مجموعه است، با نمایی ساده و سفید و بدون تزئینات و با اقتباس از نمای کاخ های سلطنتی آلمان ساخته شد. گرچه داخل آن آمیزه ای از تزئینات سنتی ایرانی و اروپایی به کار رفته است، اما دیگر نمی توان آن را در امتداد معماری سنتی ایران ارزیابی کرد.



کاخ سفید _ عکس از سایت مجموعه سعدآباد

در میان سبک ها و گرایش های معماری کاخ های سلطنتی، کمترین حضور مربوط به گرایش باستان گرایانه یا اصطلاحاً ملی می باشد. سبکی که به خصوص در دوران رضاشاه به طور گسترده در بخشی از بناهای عمومی به کار گرفته شد اما در کاخ های سلطنتی حضور آن چشمگیر نیست. کاخ های پهلوی تنها به عمارت های موجود در تهران محدود نمی شوند و در شهرهای دیگر نیز مانند رامسر و نوشهر کاخ هایی با ویژگی های متفاوت ساخته شدند.

منابع:

۱. معماری ایران در عصر پهلوی. پرویز رجبی. دانشگاه ملی ایران. سال ۲۵۳۵ (۱۳۵۵)
۲. معماری دوره ی پهلوی اول. مصطفی کیانی. موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. ۱۳۸۶
۳. www.archnet.org